



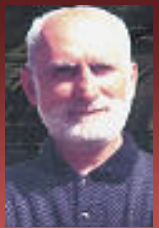
روزانه ها ...



پيوندها قلم ها



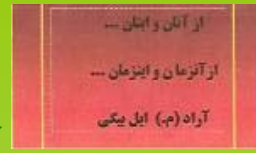
خانه



گاه روزانه های دیروز ... و امروز



آراد (م) ایل بیگی



آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد؛ تنها برای خواندن ست و ...

438-1

باقر مومنی: «دنيا» ی روشنگر دکتر ارانی « 1



"دنیای روشنگر دکتر ارانی"

بمناسبت آغاز شصت و دومین سال انتشار مجله "دنیای"
و
پنجاه و ششمین سال مرگ ارانی

باقر مؤمنی

در بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ مجله‌ای با قطع خشتی در ۳۲ صفحه دو ستونی انتشار خود را در تهران با نام "دنیای" و "بمدیریت و رهبری" دکتر تقی ارانی آغاز کرد. در روی جلد مجله قید شده بود که فاصله انتشار آن «ماهی یکم‌رتبه» با «قیمت اشتراک سالانه ۲۰ ریال» و «قیمت تک‌شماره دو ریال» است.

اما علاوه بر این مشخصات چیزی که شاید تا اندازه‌ای جلب توجه و آنرا از مجلات دیگر متمایز میکرد تصویر از بیماران هسته اتم از طریق تابش اتم‌های پرشتاب بود که در روی جلد همین شماره چاپ و در زیر آن نوشته شده بود: «علم جزء لاینفک‌تری را تجزیه میکند!» ولی جالب‌تر از این تصویر و جمله زیر آن جمله‌ای بود که بعنوان توضیح روش و محتوای مجله در سرلوحه همین صفحه آمده و کنجکاوی را بشدت برمیانگیخت: دنیا «در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث میکند». فاصله انتشار مجله، برخلاف وعده‌ای که داده شده بود، حفظ نشد زیرا پس از انتشار منظم شش شماره، شماره ۷ آن با یک ماه تأخیر در شهریور ۱۳۱۳ و شماره ۸ آن با دو ماه تأخیر در آذرماه همین سال انتشار یافت و سرانجام آخرین شماره آن، که سه شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲ را یکجا در

کتاب نقطه

بر میگرفت، در ۹۶ صفحه و پس از چهار ماه تأخیر در خرداد ۱۳۱۴ منتشر شد و از آن پس، علی‌رغم وعده‌هایی در مورد ایجاد بعضی تغییرات و یا نگارش برخی مقالات در شماره‌های بعد، که نشانه قصد ناشر به ادامه انتشار آنست، مجله برای همیشه تعطیل گردید. نوشته‌اند بی‌نظمی انتشار مجله ناشی از مشکلات مالی بوده و تعطیل آن بروایتی در نتیجه قانون ممنوعیت صاحبان مشاغل دولتی از انتشار مجله یا روزنامه و بروایتی دیگر بدلیل اشتغالات زیاد ارانی صورت گرفته است. اما تا آنجا که اطلاع در درست است "مدیر و رهبر" مجله در تابستان ۱۳۱۳ برای مطالعات علمی به آلمان سفر کرده و عدم انتشار مجله در مردادماه این سال باحتمالی ناشی از این امر بوده، ولی بهرحال بی‌نظمی‌های بعدی دلیل دیگری جز مشکل مالی و با احتمالاً اشتغالات فراوان مدیر مجله نمیتوانسته داشته باشد. اما در مورد تعطیل مجله، علاوه بر دلایلی که ذکر شده، بنظر میآید که حادثه تشکیل "فرقه کمونیست" بصورت مخفی و عضویت مدیر و نویسندگان و تهیه‌کنندگان اصلی آن در این فرقه نیز نقش مؤثری داشته و اینان احتمالاً انتشار مجله را، که یک فعالیت علنی چشمگیر بوده در تعارض با فعالیت مخفی "فرقه" ای و یا لاقول زیان‌بخش برای آن دانسته و باعتباری آن یک را قربانی این یکی کرده‌اند.

در تهیه و انتشار مجله دنیا، بجز ارانی، از همان آغاز ایرج اسکندری (با نام مستعار اجمشید) (۱) و بزرگ علوی (با نام مستعار فریدون ناخدا) شرکت فعال دارند بنحوی که علاوه بر تهیه مطالب اقتصادی- سیاسی و هنری. اجتماعی برای تأمین مخارج مجله نیز، که هر شماره ۴۰ تومان برآورد شده بود، اولی ۸ تومان و دومی ۵ تومان ماهانه پرداخت میکرده‌اند. علاوه بر این دو نفر شخص دیگری نیز که بطور نسبتاً منظم مطالبی برای ستون "صنعتی" تهیه میکرده ابوالقاسم اشتری است ولی گهگاه در میان نویسندگان و مترجمان نام‌های واقعی و یا مستعاری مانند

۱. احسان طبری در مقدمه‌ای بر چاپ دوم مجموعه مجله دنیا آگاهانه و بیاطل این امضای مستعار را به ارانی نسبت داده است.

«دنیای روشنگر»...

حسین افشار (در ستون علمی)، درجیبی و نورالهدی بهبهانی (در ستون صنعتی)، عباس قزل‌ایغ، ایراندخت، انور، ان. و ایخ. نیز دیده می‌شود. (۲)

مجله علاوه بر عناوینی که در سرلوحه آمده در تمام شماره‌ها یک ستون نیز با عنوان «فلسفی و اجتماعی» دارد و در انتهای آن تحت عنوان «خاتمه» عناوین جداگانه «منظره دنیا»، «چند اطلاع مفید»، «که میدانند؟» من میدانم» و «مطبوعات جدید» ذکر شده است. «منظره دنیا» شامل اخبار و تفسیر حوادث و اوضاع سیاسی جهان است و بقول خود مجله «منظره» عمومی روابط اقتصادی و سیاسی دنیا را نه فقط بشکل اخبار بلکه با تشریح و تفسیر علل بیان میکند. مطالب این ستون در شماره‌های ۱ تا ۵ بسیار مختصر است و حتی از یک ستون مجله هم کمتر جا میگیرد ولی در شماره‌های ۶ و ۷ بیش از یک ستون، در شماره ۸ بیش از یک صفحه، در شماره ۹ بیش از یک صفحه و نیم و در شماره آخر ۵/۵ صفحه مجله را اشغال میکند. ستون «چند اطلاع مفید» بیشتر شامل اخبار و اطلاعاتی درباره آخرین دست‌آوردهای علمی و فنی و صنعتی جهان است و ستون «که میدانند؟» من میدانم» حاوی سؤالاتی از خوانندگان و پاسخ‌هایی است که از آنان میرسد. بالاخره در ستون «مطبوعات جدید»، که غالباً بسیار مختصر است و از چند سطر تجاوز نمیکند، از کتاب‌های فارسی، آلمانی، انگلیسی و فرانسه که بتازگی انتشار یافته‌اند نام برده شده است.

برای درک بهتر روش، هدف و محتویات مجله، علاوه بر مطالب فوق بنظر میرسد بهتر است مطلبی که در صفحه آخر شماره‌های ۲ تا ۵ بتکرار چاپ شده عیناً در اینجا آورده شود: «مجله دنیا خواننده خود را با دنیای متمدن امروز کاملاً آشنا میکند. هر کس میخواهد در دنیای پرهیجان امروزه محدود نمانده با علوم، صنایع، اجتماعات و هنرهای (صنایع ظریفه) بشر قرن بیستم و تکامل تمدن وی آشنا گردد لازم است مجله دنیا را مرتب بخواند. مجله دنیا دارای مقالات مهم از قبیل مقالات ذیل

۲- برای اطلاع بیشتر در مورد نویسندگان مجله رجوع شود به صفحه ۷۵ کتاب «پنجاه نفر و سه نفر» نوشته انور خامه‌ای.

کتاب نقطه

است: قسمت علمی: اتم و بعد چهارم، تکامل و ارث، پسیکولوژی خواب، امتحان هوش و حافظه، فضای چند بعدی و فرضیه نسبی، مکانیک آسمان‌ها، اسرار سلول و اعصاب، قسمت صنعتی: صنایع عظیم دنیا، انتقال سینما و عکس با بی‌سیم، رادیو، هواپیما و آسمان‌نوردی، فیلم ولی ناطق؛ فلسفی و اجتماعی: عرفان و اصول مادی، جبر یا اختیار، علت یا غایت، ماتریالیسم و ایده‌آلیسم، دیالکتیک منطق، ماشین‌سیسم، ارزش و کار، اجتماع و طبیعت، اجتماع و اقتصاد، زن و ماتریالیسم، نفع، پول و بانک، تشکیل و گردش سرمایه، مسائل حقوقی؛ قسمت هنری: هنر و ماتریالیسم، موسیقی، تأثیر، فیلم از نظر صنایع ظریف، ارزش ادبی رمان، ترجمه شاهکارهای متفکرین بزرگ و غیره...» و بالاخره مجله دنیا «جدیدت خواهد کرد فکر خواننده خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده بدو مرتباً جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد».

مجله، که فلسفه مادی دیالکتیک را بعنوان راهنمای خود برگزیده در کلیه مباحث از علمی و فنی گرفته تا فلسفی و اجتماعی و هنری و سیاسی موضعی شدیداً انتقادی و آشتی‌ناپذیر دارد و در عین حال در هدف‌گیری‌های خود راهی میان کهنه‌پرستی و تجددمآبی اختیار کرده است. در شیوه بحث بارها و به زبان‌های گوناگون مطالبی از این قبیل آمده است: «بشر در سیر تکامل تمدن به مرحله‌ای رسیده است که میخواهد جامعه خود را از روی اصول مادی و منطقی اداره کند.» «تنها نظریه کلی که میتواند مابین علم، صنعت و اجتماع بشر امروز هارمونی و هماهنگی تولید کند اصول عقاید مادی است.» «فکر مجله دنیا تفسیر و شرح مطالب علمی، صنعتی، فلسفی، اجتماعی و هنری از روی اصول مادی است.» گذشته از همه اینها «مجله دنیا مظهر نفوذ قطعی و ضروری این فکر به محیط فارسی‌زبانان است» «و این اصل رول تاریخی آنرا واضح میکند».

در سرمقاله نخستین شماره، که هدف، روش و محتویات مجله در آن توضیح داده شده آمده است که «دنیا، و ایران نیز که جزئی از آنست،

کتاب نقطه

است: قسمت علمی: اتم و بعد چهارم، تکامل و ارث، پسیکولوژی خواب، امتحان هوش و حافظه، فضای چند بعدی و فرضیه نسبی، مکانیک آسمان‌ها، اسرار سلول و اعصاب؛ قسمت صنعتی: صنایع عظیم دنیا، انتقال سینما و عکس با بی‌سیم، رادیو، هواپیما و آسمان‌نوردی، فیلم ولی ناطق؛ فلسفی و اجتماعی: عرفان و اصول مادی، جبر یا اختیار، علت یا غایت، ماتریالیسم و ایده‌آلیسم، دیالکتیک منطق، ماشینیسم، ارزش و کار، اجتماع و طبیعت، اجتماع و اقتصاد، زن و ماتریالیسم، نفع، پول و بانک، تشکیل و گردش سرمایه، مسائل حقوقی؛ قسمت هنری: هنر و ماتریالیسم، موسیقی، تئاتر، فیلم از نظر صنایع ظریف، ارزش ادبی رمان، ترجمه شاهکارهای متفکرین بزرگ و غیره...» و بالاخره مجله دنیا «جدیدت خواهد کرد فکر خواننده خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده بدو مرتباً جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد».

مجله، که فلسفه مادی دیالکتیک را بعنوان راهنمای خود برگزیده در کلیه مباحث از علمی و فنی گرفته تا فلسفی و اجتماعی و هنری و سیاسی موضعی شدیداً انتقادی و آشنی‌ناپذیر دارد و در عین حال در هدف‌گیری‌های خود راهی میان‌کهنه‌پرستی و تجددمآبی اختیار کرده است. در شیوه بحث بارها و به زبان‌های گوناگون مطالبی از این قبیل آمده است: «بشر در سیر تکامل تمدن به مرحله‌ای رسیده است که میخواهد جامعه خود را از روی اصول مادی و منطقی اداره کند.» «تنها نظریه کلی که میتواند مابین علم، صنعت و اجتماع بشر امروز هارمونی و هماهنگی تولید کند اصول عقاید مادی است.» «فکر مجله دنیا تفسیر و شرح مطالب علمی، صنعتی، فلسفی، اجتماعی و هنری از روی اصول مادی است.» گذشته از همه اینها «مجله دنیا مظهر نفوذ قطعی و ضروری این فکر به محیط فارسی‌زبانان است» «و این اصل رول تاریخی آنرا واضح میکند».

در سرمقاله نخستین شماره، که هدف، روش و محتویات مجله در آن توضیح داده شده آمده است که «دنیا، و ایران نیز که جزئی از آنست،

«دنیای روشنگر...»

دائماً در تغییر و از حیث تمدن رو به تکامل می‌باشد» اما از یک طرف «یک مشت افیونی یا کهنه‌پرست و مرده‌پرست» با طرفداری از «سیر قهقرائی» می‌خواهند جامعه را به عصر «گلستان سعدی، خط نستعلیق، شغای بوعلی‌سینا و مسافرت با کاروان و غیره و غیره» بازگردانند و در برابر اینان دسته‌ای دیگر برای رسیدن به کاروان تمدن اظهار عقیده میکنند که «ایرانی بایستی از اروپائی تقلید کند» و منظورشان نیز تقلید در بست و کورکورانه از اروپائیان است در حالی که همه میدانند که «تمدن اروپائی خود دچار بحران و تضادهاست» و بهیچوجه قابل چنین تقلیدی نیست. و در این معرکه «جوانان ما که نه با بیانات قدما و نه با یاهوگوشی‌های یکدسته متحدنما میتوانند عطش و کنجکاوای خود را تسکین دهند حیران و سرگردان» مانده‌اند. بهمین دلیل است که مجله دنیا، که «رول تاریخیش راهنمایی این جوانان» است وظیفه خود میداند که «آتش بحران فکری آنها را خاموش کند» و آنها را به «راه حقیقی تکامل» رهنمون شود و تنها وسیله‌ای که برای این کار وجود دارد همان «اصول مادی دیالکتیک» است که میتواند «به علوم و صنایع و اجتماعات و هنرها یک هماهنگی بدهد» و به «بحران‌ها و تضادهای اروپای متمدن پایان بخشد».

بدینسان در این مجله برای مظاهر پوسیده فرهنگ شرق و نظرات تجددمآبان و بحران‌زای غرب از قبیل «مقالات طویل و عریض راجع به فتح جوشقان، معاشقه یوسف و زلیخا، تحقیقات تازه در اطراف خانه ابوالمظفر عبدالجبار» یا مطالبی مانند «ناله‌های لامارتین، ترهات گوستاو لوبون و گدابازی‌های بی‌ذوق و متملق» جایی وجود نخواهد داشت.

مجله حتی در مورد زبان مورد استفاده خود نیز قول میداد که در عین کاربرد بموقع لغات فرنگی و عربی، «از اصول فرنگی‌مآبی و عربی‌مآبی» بهره‌میزد و «حتی‌الامکان طریقه ساده و عادی را در نوشتن رعایت» کند بنحوی «که حتی‌المقدور توده وسیعتری بتوانند از آن استفاده کنند». اما چنانکه معلوم است یک مجله علمی و فلسفی مانند دنیا مطلقاً نمیتوانست دارای آنچنان زبان «ساده و عادی» باشد که «توده وسیعی» بتواند از آن بهره

کتاب نقطه

ببرد، و مدیر مجله در عین حال که در آخرین شماره آن قول میداد که «سال جدید مجله دنیا با بیان ساده‌تری منتشر خواهد شد» ناکزیر اعتراف میکرد که «مقالات علمی این مجله باختصاص مشکل است. بنابراین فقط برای خوانندگانی مفید خواهد بود که در قسمت‌های مربوطه تا حدودی سابقه داشته باشند، و خواندن آنها به عموم توصیه نمیشود».

بعلاوه مسئله دیگری نیز وجود داشت که کار نویسندگان مجله را، حتی در بیان مطالب فلسفی و اجتماعی و هنری هم مشکل‌تر از معمول میکرد و آن مسئله سانسور بود. ارانی در بازجویی‌های خود مینویسد: «مجله دنیا در پلیس هم سانسور میشد.» و بهمین دلیل نه تنها از بحث مفصل و روشن درباره مسائل جاری سیاسی و اجتماعی در آن تا حدود زیادی خودداری میشد بلکه اصول افکار فلسفی نیز بزبانی بیان میشد که بقول او «نه خوانندگان و نه پلیس متوجه این افکار بودند و فقط اشخاص تحصیلکرده خارج، بعضی، متوجه میشدند».

با این‌همه باید دانست عطش و حساسیت جامعه درس خوانده و جوانان نسبت به نوشته‌های دنیا آنچنان بود که این مجله با همه اشکال زبانی و سنگینی مطالب از همان شماره اول، بنا بادعای خود آن، «انعکاس غریبی در جامعه منورالفکر و توده کم‌سواد نمود» و «موافق و مخالف را به هیجان در آورد». «از یک طرف تبریک و اظهار خوشوقتی و از طرف دیگر حمله و فحاشی، حتی تهمت زیاد شنیده شد». «توده کم‌سواد خالی‌الذهن و منورالفکر تریخواه آنرا با آغوش باز پذیرفت، و دسته دیگر از منورالفرها (صوفی‌مآبها) و همچنین تمام دستجات کهنه‌پرست، چون مجله دنیا را مخالف منافع مادی خود میدیدند بر آن لعنت کردند». مجله بعدها در شماره ۶ خود به نمونه‌هایی از این خوشامدها و دشمنی‌ها اشاره میکند اما پیش از آنکه به این اشاره‌ها برسد برای نشان دادن هویت و ماهیت مخالفان و موافقان خود به یک تحلیل جامعه‌شناسانه مادی- دیالکتیکی از جامعه آنروز ایران، یا بقول خودش به دقت در «طرز تولید» در محیطی که دنیا در آن منتشر میشود، دست میزند و تصویری از صفیندی جمعیتی کشور در

«دنیای روشنگر...»

سال ۱۳۱۲ بدست می‌دهد که خواندنی است، باین ترتیب که از جمعیت ۱۰ میلیونی کشور ۶ میلیون دهقان و ایلاتی «فقیر و بیسواد و در قید اسارت تعصبات و خرافات می‌باشند» که «با وسایل خیلی ساده زراعت» و زمین و محصولات آن سروکار دارند و تحت تأثیر «فلاکت‌های طبیعی و اجتماعی...» عموماً ترسو، مطیع، متعصب، مکار و محروم از مزایای تمدن بشری امروزند» و ۴ میلیون شهری هستند که خود به ۲ میلیون شهرنشین متوسط، یک میلیون متمول و یک میلیون «عمله شهری و کارخانه» تقسیم شده‌اند و از مجموع اینها تنها یک میلیون متمولین و یک میلیون از افراد طبقه متوسط سواد دارند. از این باسوادان عده‌ای بنا به بعلمل مادی، یعنی موقعیت اجتماعی و طبقاتیشان، متعصب و کهنه‌پرست و عده‌ای دیگر دارای اندیشه‌های «تنوزفی» و انساندوستانه ایدئالستی هستند. اما بجز اینها «بقیه» باسوادهای شهری منورالفکرها می‌باشند» که اکثریتی از آنان، علی‌رغم «میدان رویت وسیع» خود «تحت تأثیر منافع طبقاتی و اجتماعی» «منورالفکر فاسد» و «عاری از هر نوع قدرت اخلاقی و اجتماعی» هستند و عدم استقلال فکری و فقدان عزت‌نفس از خصوصیات روحی آنهاست و هدفی جز «نفس و پول‌پرستی» ندارند. تمام کارهایشان خودنمائی است و اگر بخیال خود دست به اصلاحی بزنند «بی‌ریشه و اساس و عاری از علاقه و فداکاری و بنابراین محکوم به اضمحلال است».

اما از منورالفکران شهری هستند کسانی که «هنوز فاسد نشده‌اند و برحسب موقعیت اجتماعی خود اداری علائقاً پیشرفت و نزع می‌باشند». سرمقاله مجله این گروه را «منورالفکر رهبر» مینامد و مینویسد در حقیقت همینها هستند که مخاطب مجله‌اند و «مجله دنیا با این طبقه و این طبقه با مجله دنیا زیاد کار دارند». بنا بادهای سرمقاله «تأثیر مجله دنیا در این دسته خیلی قوی بوده. این طبقه انتشار دنیا را یکی از عوامل پیشرفت فکر خود تلقی و آنرا با نهایت هیجان استقبال کردند». برای نمونه یکی از هم‌اینان بود که نوشت: «انتشار دنیا مثل آتست که در میان هوای مجبوس شب مانده و بوگرفته یک نسیم آزاد و خنک و مهیج وزیدن

کتاب نقطه

گرفته گلوی خشک انسان را تازه کند». علاوه بر اینان «زن‌های جوان باسواد نیز»، که مجله آنها را «جزء منورالفکر صالح» می‌شمارد، «به مجله دنیا اظهار علاقه» کردند. باید دانست که مجله نه تنها در زمان انتشار در ذهن جوانان و منورالفکران اثر گذاشت بلکه حتی پس از تعطیلی نیز شماره‌های آن همچنان دست بدست میگشت و خوانندگان خود را تحت تأثیر قرار میداد. برای نمونه احسان طبری مینویسد که خود او بعدها، یعنی «در سال ۱۳۱۴... برای نخستین بار مجموعه کاملی از ۱۲ شماره مجله دنیا بدستم رسید» و هم او خود به همین دلیل و بجرم مطالعه دنیا و آشنائی با یکی دوتا از شاگردان ارانی است که در اردیبهشت ۱۳۱۶ در ردیف اعضای پنجاه و سه نفر دستگیر و زندانی میشود.

اما غیر از «منورالفکران رهبر» که از مجله استقبال کردند «منورالفکران فاسد» و همچنین عناصر کهنه‌پرست و پوسیده اجتماعی نیز آرام ننشستند و طبق معمول خویش با ناسزاگویی به مجله و نویسندگانش پرداختند. مثلاً یکی با اشاره به نام مجله به حدیث «الدنیا چیغه و طالبواها...»^(۳) متوسل شد که یعنی «دنیا مردار است و طالبانش...»^(۴)، و یکی دیگر به اسم یکی از نویسندگان مجله به نام ابوالقاسم اشتری اشاره کرد و با استفاده از بازی با کلمات نوشت «وقتی که من اسم نویسنده فلان مقاله را خواندم متوجه شدم اگر از آن حرفی حذف شود مبدل به اسم حیوانی می‌گردد»، که منظور حذف حرف الف از اسم «اشتری» بود. و بدتر از این هرزه‌گوئی‌ها بعضی نیز به قول مجله به «زور و چماق» متوسل شدند و کوشیدند تا «وسائل مادی حیات مجله را قطع کنند». ولی مجله در برابر این تشبیهات و حملات با یقین و ایمانی قاطع نوشت: «هیچ‌یک از این وسائل مانع پیشرفت اجتماع بشر و نفوذ افکار مادی نخواهد شد» و «مجله دنیا با کمال متانت، بدون اینکه به اشخاص توجه کند فکر اساسی خود را تعقیب مینماید. طرفداران اصول مادی میدانند که بر

۳- سه نقطه در اینجا بجای کلمه «کلاب» آمده.

۴- سه نقطه در اینجا بجای کلمه «سگ‌ها» آمده.

«دنیای روشنگر...»

خلاف جریان شنا میکنند ولی چون به بازوان قوی این اصول اطمینان دارند آنقدر خط سیر مخالف خود را ادامه خواهند داد تا جریان را موافق خود کنند، و این غرض اصلی آنهاست.

اما آنچه نظرها را از موافق و مخالف بسوی مجله دنیا جلب میکرد اتخاذ فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک بعنوان جهان بینی مجله و تفسیر و تحلیل پدیده‌ها و واقعیات موجود و پذیرفته شده جامعه آئروز ایران بر اساس این فلسفه بود که در عین تازگی همه آنها را زیر سؤال و ضربه میبرد و باین ترتیب کهنه پرستان و نوجویان، هر دو، را به یک ترتیب تکان میداد.

شک نیست که در گذشته مارکسیست‌های ایرانی در مطبوعات فارسی گهگاه به نوشتن و انتشار مقالاتی مستقل در زمینه اقتصاد مارکسیستی و یا فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و همچنین تحلیل بعضی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی ایران بر اساس این فلسفه دست زده‌اند، اما تا آنجا که اطلاع در دست است بنظر میرسد که تاریخ مطبوعات ایران تا آئزمان هرگز نشریه‌ای سراغ نداشته که اینچنین منظم و پیگیر به این کار پرداخته باشد (۵)، و این البته غیر از طرح مسائل علمی و فنی و صنعتی خالص است که آنهم بنوبه خود در مجله جای برجسته‌ای داشت. در این مورد کافی است به مقالات یا سلسله مقالاتی مانند ماشینیسم، ارزش-قیمت، کار، هنر و ماتریالیسم، تاریخ‌سازی در هنر، تکامل- تبعیت به محیط و ارث، تکامل موجودات زنده، خوابیدن و خواب دیدن، حقوق و اصول مادی، زن و ماتریالیسم، ماتریالیسم دیالکتیک، زندگی و روح هم مادی است، بشر از نظر مادی، جبر و اختیار، عرفان و اصول مادی، پول از نظر اقتصادی و اهمیت آن در اجتماع فعلی و مانند اینها اشاره شود تا خواننده خود دریابد که مجله، علاوه بر طرح کلیات فلسفه مادی دیالکتیکی تقریباً به انتشار مطالبی در تمامی زمینه‌های اصلی زندگی مادی و روحی از جمله مسائل و مباحث انسانی- زیستی، فکری، جامعه‌شناسی، اقتصادی و مانند اینها نیز با ۵- مجله فرهنگ چاپ رشت در سالهای میان ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ بیشتر جنبه فرهنگی و ادبی داشت.

کتاب نقطه

همین بینش فلسفی دست زده است. و این امر البته مطلقاً تصادفی نیست زیرا از نظر دنیا تمام رشته‌های علوم از قبیل علوم طبیعی، علوم دقیقه و علوم انسانی و همچنین فلسفه با یکدیگر در ارتباطی تنگاتنگ و دیالکتیکی قرار دارند و این مطلب بارها باین ترتیب گفته میشد که «تمام مندرجات مجله یک دستگاه معلومات مربوط و منظم و کلی را تشکیل میدهد». برای درک این ارتباط و تناسب میان فلسفه و علوم انسانی و علوم دقیقه و اینکه چگونه مجموعه اینها یک دستگاه کلی مربوط و منضبط را تشکیل میدهند بهتر است به عناوین و محتویات خود مجله بازگردیم.

ستون‌های "علمی" و "صنعتی"

محتویات مجله با مطالبی تحت عنوان "علمی" آغاز میشود و پس از آن عنوان مطالب "صنعتی" می‌آید. در ستون "علمی" مقالاتی از قبیل "اتم و بعد چهارم"، "ماکسیمم و می‌نیمم انتگرال‌ها"، "خوابیدن و خواب دیدن"، "تکامل- تبعیت به محیط و ارث"، "زندگی و روح هم مادی است"، "مشتری"، "فرضیه نسبی"، "اجسام رادیو اکتیو مصنوعی"، "تاریخ علوم" و در ستون "صنعتی" نیز مطالبی با عناوین "صنایع عظیم دنیای امروز"، "بی‌سیم"، "هواپیمائی"، "تله‌ویزیون"، "کارخانه تولید برق"، "برج ایفل" و "اتوموبیل" چاپ شده است.

نخستین نکته‌ای که در این مقالات جلب توجه میکند اینست که مجله گاه درباره آخرین کشفیات و اختراعات علمی و صنعتی، که هنوز جنبه آزمایشگاهی دارد و برخی از آنها سی‌چهل سال بعد در دسترس عامه قرار می‌گیرد، توضیحاتی دارد. اما نکته مهمتر که در این مقالات بچشم می‌خورد ارتباط دادن مسائل و پدیده‌های علمی و صنعتی با مسائل و پدیده‌های اجتماعی بر اساس جهان‌بینی دیالکتیکی است. حتی در مقالاتی هم که نویسندگان و مترجمان آن صرفاً به جنبه‌های فنی پدیده‌های علمی و صنعتی پرداخته‌اند گهگاه مدیر مجله فرصتی یافته و به یادآوری نکته‌هایی در این زمینه‌ها دست زده است. برای مثال در سرلوحه مقاله "ماکسیمم و می‌نیمم

«دنیای روشنگر...»

انتگرال‌ها»، که مقاله‌ای صرفاً علمی و از مقولات ریاضی عالی است مجله با حروف درشت به ذکر این نکته میپردازد که «تمام شعب تمدن متوازی با یکدیگر کامل میشوند. علم و عقاید کلی، صنعت، اجتماع و هنر یک قوم با هم متناسب میباشند. ملتی که با وسایل محاسباتی کامل کوچکترین حرکات ماشینی‌های ظریف را حساب میکند عقاید کلی و فلسفی آن نیز دقیق‌تر از قومی است که گاوآهن ساده و کاسه‌گلی مهم‌ترین محصولات صنعتی آن میباشند. طبیعی است که تجسمی که بشر قرن بیستم راجع به زمان-مکان- ماده دارد با تجسم ساده‌ی زمان اقلیدس در قرون قدیمه، بوعلی سینا در قرون وسطی، کانت یا هگل در قرون جدیده خیلی فرق دارد.»

نمونه دیگر تذکر مجله است در آغاز مقاله‌ای با عنوان «ماشینی که نوشته را میخواند» با این جملات که «ما بایستی... جدید کنیم در جوانان قوه استدلال و تحقیق علت و معلول و خلاصه کار کردن از روی متد و اسلوب منطقی منظور دیالکتیکی است! را نمو دهیم... تحقیقات و پیشرفت های علمی امروز حالت منظمی به خود گرفته است. مسائل علمی و فنی یک یک او در ارتباط و پیوند با یکدیگر طرح و حل میشوند. برای شرکت در این پیشرفت بایستی وسیله داشت و گرنه بدون کتابخانه، لابراتوار و پول ادعای کشف و اختراع باطل و بیپوده است.

و یا مقاله «برج ایفل»، که ترجمه از کتابی در مورد ساختمان این برج است، با این جملات آغاز میشود: «صنعت هر اجتماع متناسب با وضعیت اقتصادی و مادی آنست و بهمین دلیل نمیتوان تصور نمود در جامعه‌ای که بحالت شبنانی زیست نموده و یا تنها وسیله تولید ثروت برای او استفاده بسیار ساده و مستقیم از طبیعت است یکمرتبه مصنوعی شبیه برج ایفل پیدا شود زیرا برج ایفل زاده وضعیت اقتصادی قرن نوزدهم و در اثر انقلابات صنعتی آن قرن تولید شده... و نمونه‌ای از صنعت دوره سرمایه‌داری است.»

اما مقالات علمی و صنعتی که ارانی خود نوشته و یا ترجمه کرده سراسر انباشته است از اشاراتی در مورد ارتباط دیالکتیکی پدیده‌های

کتاب نقطه

گوناگون، و او خود ضمن تشریح مطالب علمی و صنعتی به بهانه‌های گوناگون به اصول فلسفی مادی دیالکتیک و اندیشه‌های اجتماعی، و گاه هم سیاسی، گریز میزند. برای مثال در اواسط مقاله "اتم و بعد چهارم" پس از توضیحاتی درباره ساختمان اتم و چگونگی و نتایج انفجار هسته آن خواننده ناگهان با جمله زیر روبرو میشود: «حال با اسلحه دیالکتیک وارد فضای اتم شده تأثیر بعد چهارم، یعنی زمان را در اتم مورد توجه قرار میدهیم.» مقاله سپس با اشاره به نقض دانش بشری در مورد «قوانین تأثیر هسته در مدار حرکت و نظم و ترتیب الکترون‌ها» و تلاش "تنوری کوانتا" برای رفع این نقیصه مینویسد «البته علم جدیدی» در تحقیق این قوانین «اصول دیالکتیک را بکار برده تأثیر این تغییرات را در نتایج علمی خود پیدا خواهد کرد» و با قاطعیت میافزاید که بدون هیچ تردیدی «اسلحه دیالکتیک به ما آن قدرت را میدهد که در خواص فیزیکی و شیمیائی اجسام نکات دقیق‌تری را که منطبق معمولی عاجز از درک آنست مشاهده کنیم». و بالاخره پس از اشاره به "تقریبی" بودن اطلاعات و نتایجی که علم تا کنون درباره اتم بدست آورده مقاله با این جمله خاتمه می‌یابد: «بایستی منتظر بود که اسلوب دیالکتیک یک انقلاب شدید به علوم بشر امروزه منظره جدیدی دهد».

یک نمونه دیگر مقاله "صنایع عظیم دنیای مادی امروز" است که در ستون "صنعتی" چاپ شده و مبحثی است درباره انرژی، نفت، زغال‌سنگ، آهن و ماشین‌آلات و وسائل نقلیه‌ای مانند کشتی، آتروپلان، اتوموبیل و لکوموتیو. نویسنده در پایان مقاله به این تز عمده مجله، که از شماره ۲ بیعد بعنوان شعار ستون "علمی" اختیار شده، باز میگردد که «تمام شعب تمدن متوازی با یکدیگر کامل میشوند. علم و عقاید کلی، صنعت، اجتماع و هنر یک قوم با هم متناسب میباشند»، و بجهت اثبات این نکته که «ترقی تمام این صنایع با ترقیات اجتماعی متوازی بوده است» تحت عنوان "نتایج ترقی صنعت" اظهار عقیده میکند که «بجهت اینکه صنایع باین عظمت تشکیل شود لازم بود مقدار زیادی سرمایه یکجا تمرکز پیدا کند».

«دنیای روشنگر...»

بجهت اینکه محصولات زیاد این کارخانجات، که دائماً بیرون میریزد بفروش رود بایستی بازار تجارت تهیه شود، برای این کار نیز نفوذ و استعمار لازم بود چه غرض اساسی تمام این صنایع نفع است نه رفع احتیاج، بعد هم با ارائه یک آمار مختصر از تولیدات صنعتی جهانی به این مطلب اجتماعی-سیاسی اشاره میشود که «اگر مقدار تمام این محصولات و تعداد کارگران مشغول را که اکثریت ۱/۹ میلیارد جمعیت کره ارض را تشکیل میدهند در نظر بگیریم خواهیم فهمید چه مقدار عظیم کار، یعنی زور بازو و فکر و عرق پیشانی توده وسیع افراد بنی نوع بشر صرف این محصولات میشود.» مقاله پس از این مطالب، بصورتی بسیار کوتاه به نتایج اجتماعی رشد و گسترش صنایع اشاره میکند باین ترتیب که: «زیاد شدن کارخانجات باعث شد که صنعتگر متوسط از میان رفته به مزدوران کارخانجات مبدل شوند. زیاد شدن نفوس، احتیاج به اطلاعات فوری، قابل استفاده کردن اخبار، کنفرانس‌ها و وسائل تفریح در توده وسیع‌تر صنعت تلگراف و تلفن بی‌سیم، فیلم ناطق، عکاسی از دور را ایجاد کرد.» بالاخره ارانی مقاله خود را با عبارت سیاسی رزمجویانه و هدایتگرانه زیر پایان میدهد:

«بشر بطور کلی به عده زیادی از قوای طبیعت چیره شده است. عجزاً بزرگترین بدبختی او عدم قدرت وی به اداره اجتماع خویش است. جنگ‌ها، بیکاری‌ها، بحران‌ها، تولید بیش از مصرف زیادتر از خشکسالی، سرما، سیل، امراض ساری و غیره اسباب ناراحتی و نگرانی وی میباشد. البته بشر این اشکال را نیز که یک اشکال طبیعی است برطرف نموده جامعه‌ای با تشکیلات صحیح برای خود ایجاد خواهد کرد.»

نمونه‌ای دیگر از کاربرد اصول دیالکتیک و توضیح این اصول در ارتباط با علوم را میتوان در مقاله «تکامل- تبعیت- محیط- ارث» یافت. این مقاله که پیش از همه به بحث درباره تکامل میپردازد اساساً با این جمله آغاز میشود که «دقیق‌ترین قانون تکامل همان اصل دوم منطق دیالکتیک است که اصل تکامل در ضدین نامیده میشود.» مقاله پس از ذکر این جمله به شرح مسئله تز و آنتی‌تز و سنتز و مکانیزم‌های آنها و همچنین به بحث درباره

کتاب نقطه

تغییرات تدریجی و "شدید" میپردازد و بعد هم با اشاره به ارتباط قانون "علت و معلول" با مفهوم تکامل، و ذکر این نکته که «قانون بقا انرژی در فیزیک و قانون بقا ماده در شیمی حالات معین این قانون کلی میباشند» وارد بحث تکامل میشود.

یا در مقاله دیگری، که در حقیقت میتواند قسمت دوم همان مقاله بالا تلقی شود پس از رد و نفی نظریه "مثل" یا "ایده"های فلسفی افلاطون و همچنین اندیشه مشائی ارسطویی هیولا و صورت در مورد پیدایش جهان و اشیاء، به نظرات لامارک و داروین در مورد پیدایش و تکامل موجودات زنده اشاره میشود. نویسنده ضمن توضیح قوانین "تنوع" و "توارث" داروین به "تناقض" و "اجتماع" این دو قانون اشاره میکند که خود «اعمال کامل منطق دیالکتیک در علوم طبیعی است». و در ادامه بحث به توضیح دو قانون دیگر از نظریه تکامل داروین، یعنی قانون "رقابت حیاتی" و "انتخاب طبیعی" میپردازد. مقاله در پایان نتیجه میگیرد که «نظیر همین نزاع بین طبقات مختلفه اجتماع موجود است و ناچار طبقه‌ای که با وضعیت موجود اجتماع، که نتیجه مستقیم تغییرات اقتصادی و مادی جامعه است، توافق نداشته باشد معدوم شده جبراً طبقه‌ای که از هر حیث مطابقت با محیط اجتماعی داشته باشد جانشین او خواهد گردید». اما برای جلوگیری از هر نوع سوءتفاهم مقاله در عین حال خواننده را به تفاوت میان جامعه و طبیعت توجه و تأکید توضیح میدهد که «فرق این تغییرات با تحولات طبیعی اینست که عامل آن انسان ذیشعور است و بنابراین تغییراتش در نتیجه قدرت و نیروی او انجام خواهد گرفت» و سرانجام نوشته با این جمله پایان می‌پذیرد که «تاریخ کلیه انقلابات بشر نمونه‌ای از این تحولات است».

کاربرد اصول دیالکتیک در علوم طبیعی بنحوی دیگر در سلسله مقالات "فرضیه نسبی" نیز دیده میشود. ارانی ابتدا مقاله خود را با این تذکر آغاز میکند که «فرضیه نسبی بیش از آنچه مستحق بوده انتشار یافته» زیرا هم اینک تئوری‌های سهمتری مانند تئوری "کوانتا" و "مدل اتم‌ها" نیز وجود دارند. او در عین حال هدف خود را از نوشتن این مقاله اینطور

«دنیای روشنگر...»

یادآور میشود که «ما از دو نظر بشرح فرضیه نسبی میپردازیم: اولاً این فرضیه یک جنبه اجتماعی و عمومی دارد و طبقات ارتجاعی آنرا بطرز غلط بحث نموده مانند همیشه بنفع خود نتایج ارتجاعی میگیرند. ... ثانیاً مجله دنیا باز میخواهد با انتشار این مقاله به خوانندگان خود بفهماند که علم، یعنی همان اطلاعاتی که خود بشر تحت تأثیر احتیاجات از محیط خارج گرفته است، یک موضوع سرّی و روحانی نیست. این نظریه و هیچ نظریه علمی دیگر دارای اهمیت عظیم مافوق ادراک بشر نیست.»

در اینجا نیز نویسنده در جریان و بعد از توضیحات مفصل ریاضی درباره نظریه نسبی اینشتین و فضای چهاربعدی او هر جا فرصتی می‌یابد به تأثیر محیط مادی و نقش مشکل‌گشای اسلوب دیالکتیک اشاره میکند. مثلاً در یک جا اشاره میکند که اینشتین در توضیحات و نوشته‌های اولیه خود در مورد فرضیه نسبی ضمن نفی بحق اصول هندسه اقلیدسی، برخلاف تمام اصول علمی، «جرات کرد به محدود بودن عالم حکم کند و برای اثبات موضوع دلائلی بیاورد» و این خطای او را ناشی از آن میداند که اینشتین در این زمان هنوز «از اساطیر اسرائیلی خلاص نشده» و یا «طرز فکر دیالکتیک آشنا نبوده ولی بعدها که محیط مادی او تغییر کرد «تحت تسلط منطق قوی علمی، و بواسطه مطالعات در اصول هیئت و فیزیک» اشتباه خود را تصحیح کرد و «طرفدار عالم نامحدود شد.»

بهرحال ارانی بعنوان یک «متفکر مادی» و «دیالکتیسین» علت پیدایش فرضیه نسبی اینشتین را در کار برد «تفسیر مادی تاریخ و بیان دیالکتیکی علوم طبیعی»، که خود زائیده «پیشرفت ضروری صنعت و از خواص دوره سرمایه‌داری» است، میداند و از این مبحث نتیجه میگیرد که «هر روز اصول افکار مادی پایه محکمتری میگیرد.»

نمونه جالب دیگری از بیان رابطه دیالکتیکی میان علم و فن و مسائل اجتماعی مقاله «ماشینیسیم» است که در آن نویسنده بقول خود از سه نظر «فنی، اقتصادی و اجتماعی» به بحث درباره ماشینیسیم میپردازد. در مقدمه مقاله بجای تعریف و توضیح این پدیده پیش از همه بشکل نسبتاً

کتاب نقطه

مفصلی از نحوه تکامل ابزار کار و در نتیجه، پیدایش تملک "ادوات تولید" و ایجاد نظام بردگی ناشی از این تملک سخن بمیان آمده و نویسنده پس از توضیحاتی درباره تکامل بعدی ابزار تولید و نقش آن در پیدایش رژیم‌های گوناگون تولید در هر دوره از ادوار تاریخی به دوران معاصر می‌رسد و مینویسد: «دوره ما که به دوره سرمایه‌داری موسوم است نتیجه مستقیم طرز تولیدی است که به ماشینیسم معروف است.» نویسنده مقاله پس از ذکر نتایج مثبت فنی و اقتصادی ماشین مبنی بر تسلط انسان بر طبیعت و تسخیر و مهار عناصر سرکش طبیعی و بخدمت‌گرفتن آنها بسود بشر، ایجاد فراوانی و رفاه در اثر افزایش تصاعدی محصولات مورد نیاز انسان، تسهیل زندگی و امکان بهره‌وری هرچه بیشتر از تنوعات آن، رشد فکر اجتماعی کارگران و افزایش زمان فراغت آنان به شرح آفات اجتماعی آن از قبیل از میان رفتن طبقات متوسط، تمرکز عظیم قدرت تولید در دست عده‌ای معدود، تشدید اختلاف میان سرمایه و کار، پیدایش و گسترش استعمار، تصادمات میان دولت‌ها و جنگ‌های جهانی، بحران‌های اقتصادی ناشی از افزایش بی‌بند و بار تولید و بیکاری می‌پردازد ولی بلافاصله یادآور می‌شود که این مشکلات بر خلاف تصور بعضی صاحب‌نظران بهیچوجه از خود ماشین نتیجه نمی‌شود بلکه ناشی از آنست که «کلیه سرمایه‌ها و آلات تولید در دست عده معینی از صاحبان سرمایه‌های بزرگ متمرکز» شده و این عده بدون توجه به نیازهای جوامع انسانی و صرفاً بخاطر کسب سود بیشتر این عوامل را مورد استفاده قرار می‌دهند و تا هنگامی که «تولید ثروت کورکورانه و بدون رعایت احتیاجات بازار بعمل می‌آید بحران او عوارض ناشی از آن» نیز طبق قواعد غیرقابل اجتناب و حتمی اقتصادی... باقی خواهد ماند و چاره‌جویی‌های جزئی بی‌نتیجه» خواهد بود. نویسنده پس از ذکر این نکات در پایان مقاله خویش نتیجه می‌گیرد که «ماشینیسم وقتی بحال بشر مفید تواند بود که تولید علی‌العمیا و کورکورانه ثروت از بین رفته و ادوات تولیدیه طبق نقشه معین و مسلمی تحت اختیار هیئت اجتماع واقع گردد، و الا بحران، مادام که تولید ثروت بطریق فعلی است، غیرقابل علاج و رفع آن

«دنیای روشنگر...»

برای عالم آرزو است.»

فلسفی و اجتماعی

وقتی بیاد بیاوریم که مجله دنیا و نویسندگان اصلی آن، حتی در بحث‌های فنی و صنعتی و علمی بدنبال یافتن محملی برای بسط نظرات فلسفی و اجتماعی خویش می‌کردند، طبیعی است انتظار داشته باشیم که این نظرات را در عنوان «فلسفی و اجتماعی» خود با شرح و بسط بیشتر و دل و دست بازتر توضیح دهند. در حقیقت چنین نیز هست زیرا مجله از همان شماره اول در سرلوحه این عنوان جمله زیر را با حروف سیاه چاپ کرده است: «انسان حیوان اجتماعی است. هر فرد هر قدر زندگانی شخصی خود را با نظریات کلی فلسفی خود بیشتر ارتباط دهد کاملتر است. به عقاید کلی بی‌علاقه بودن علامت تنزل به حد حیوانی است. تنها نظریه کلی که میتواند بین علم، صنعت و اجتماع بشر امروز هارمونی و هم‌آهنگی تولید کند اصول و عقاید مادی است.» ملاحظه میشود که مجله تا آنجا برای فلسفه ارزش و اهمیت قائل است که کسانی را که فاقد نظرات کلی فلسفی هستند تا حد حیوان تنزل میدهد.

اگر فلسفه‌ای که مجله دنیا به آن اعتقاد دارد و آنرا ترویج میکند چنانکه معلوم است فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک است که خود آنرا «آخرین قله» نموّ عقاید بشر تا امروز» میدانند. بر اساس این فلسفه جهان و از جمله پدیده‌هایی مانند زندگی و روح مادی است و این جهان مادی در اثر وحدت ضدین و بر اثر قانون نفی در نفی در تکاپو و تغییر است، و مجله دنیا برای توضیح کلیات همین فلسفه و کاربرد زنده آن بر زندگی هر روزی به انتشار مقالات گوناگونی در زمینه‌های مختلف دست می‌زند. در کلیات این فلسفه چهار مقاله مفصل، که هر کدام چند شماره مجله را در برمیگیرد، چاپ شده که عناوین آنها بترتیب عبارتند از: «عرفان و اصول مادی»، «جبر و اختیار»، «زندگی و روح هم مادی است» و بالاخره «ماتریالیسم دیالکتیک». ارانی در عرفان و اصول مادی، که آنرا با امضای مستعار «احمد

کتاب نقطه

قاضی* نوشته، بر خلاف سنت جاری عالمان و فیلسوفان، ولی بشیوه دیالکتیسین‌ها، به توضیح تاریخ پیدایش عرفان بر اساس زندگی مادی اجتماعات انسانی میپردازد. او خود میدانند که خواننده «اگر هنوز ماتریالیست نباشد تعجب خواهد کرد» که چرا وی بجای «اشعار صوفیان و عرفا ابتدا طرز فلاح و تجارت» و سایر شقوق زندگی مادی را در جوامع یونان و هند و ایران و چین را مطرح میسازد و پس از اینها به شرح افکار و فلسفه مردم در این جوامع میپردازد. بهمین سبب تذکر میدهد که مجله این «اسلوب تفکر و استدلال را باین دلیل انتخاب کرده که معتقد است تنها از روی اوضاع اقتصادی افکار جامعه کاملاً واضح میشود».

اما حتی پیش از این اشاره هم بعنوان پیش‌درآمد مقاله یا رساله خواننده از همان جمله اول با احکام قاطع زیر غافلگیر شده است: «فقط با مغز میتوان فکر کرد. مغز ماده و فکر یکی از خواص این ماده است. تجربه به ما نشان میدهد که اگر محیط مادی (نور، درجه حرارت، رطوبت و غیره) تغییر کند در ساختمان و طرز عمل اعضاء موجود نیز تغییر بظهور میرسد. مغز نیز کاملاً تابع این قانون است.» اما علاوه بر مغز و عوامل مادی دیگر، اجتماع انسانی نیز بعنوان یک واقعیت مادی و عامل مؤثر خارجی در شکل‌گیری فکری انسان‌ها مؤثر است، و سرانجام جمله معروف «یک شخص در خرابه و در قصر دو نوع فکر میکند.» «پس فکر هر موجود زنده نماینده جمیع عوامل مادی است که در وی و اسلاف وی، یعنی اساساً در تشکیل او مؤثر بوده است.» و تنها پس از ذکر این احکام قاطع و غافلگیرانه است که مقاله دنبال میشود و به اصل مطلب میپردازد.

این قاطعیت و غافلگیری در مقالات دیگر مجله نیز، گاه حتی با حدت بیشتری بچشم میخورد. برای مثال از جملات آغازین مقاله «زندگی و روح هم مادی است» میتوان یاد کرد: «حقیقت متحرک (متغیر) موجود در زمان- مکان- ماده است؛ حقیقت حاصل از زمان- مکان- ماده طبیعت است. تأثیر متقابل و ارتباط زمانی- مکانی اجزاء ماده همان مفهوم قوه است... این حکم کلی درباره موجودات زنده نیز صادق است. هر موجود که دارای

«دنیای روشنگر...»

خواص حیات و روح است قهراً نمیتواند عاری از ماده و آزاد از زمان باشد. هیچ چیز در این جهان مادی اتفاقی و تصادفی نیست و مستقل از عقل و معرفت انسان نظم و انتظامی دقیق و جبری بر تمام کائنات و از جمله جامعه انسانی حکمفرماست.

مقاله «جبر و اختیار» نیز از همان جمله آغازین باین ترتیب به توضیح مطلب میپردازد: «از مطالعه دقیق علوم دو نتیجه کلی بدست میآید: اول اینکه هر معلولی نتیجه علتی است و ثانیاً کلیه حوادث عالم وابسته به ناموس یا قانونی است.» «و اگر علت بسیاری از حوادث بر ما در حالت حاضر مجهول است دلیل عدم علت نمیشود» زیرا در گذشته نیز «اغلب مسائل علمی، که شاید امروز توضیح آن برای هر شاگرد مکتبی سهل باشد بر انسان غیرمعلوم بوده» و در آینده نیز بتناسب رشد علم و معرفت بشر پرده از مجهولات برداشته شده و قلمرو مکشوفات انسانی بتدریج گسترش باز هم بیشتری خواهد یافت، تنها کافی است که انسان به قوانین طبیعی و جبری جهان علم پیدا کند.

و یا مقاله «خوابیدن و خواب دیدن» با این جملات پایان می‌یابد: «خواب نیز مانند تمام قضایای روحی یک قضیه کاملاً مادی است و قوه ماوراءالطبیعه در آن موثر نیست.» و عبارتی از این قبیل.

بالاخره در مقاله بسیار مفصل و یا عبارت بهتر رساله «ماتریالیسم دیالکتیک» است که یکی از نویسندگان مجله پس از نفی و رد تمام مکاتب ایدئالیستی در فلسفه، به اثبات «واقعیت مادی جهان» و توضیح «ارزش معلومات بشر» و حدود شناخت او از این جهان واقعی میپردازد و سپس به تشریح اصول دیالکتیک، که چیزی جز اصول وحدت ضدین و نفی در نفی و تغییر نیست، دست میزنند.

البته مجله گفتارهای خود را بهیچوجه به مسائل علمی و یا فلسفه بطور کلی محدود نمیکند بلکه با کمک فلسفه مادی منطقی یا ماتریالیسم دیالکتیک در عین حال به شرح و حل مسائل تاریخ و جامعه بشری نیز میپردازد. ولی اگر مقاله مستقلی در باب «ماتریالیسم تاریخی» در دنیا

کتاب نقطه

نمی‌بینیم معنایش مطلقاً این نیست که مجله از این امر غافل مانده است. برای مثال ارانی خود اصول این مکتب فکری را در مقاله‌ای تحت عنوان "بشر از نظر مادی"، که ظاهراً یک میحث صرفاً بیولوژی-پسیکولوژیک باید باشد، مطرح میکند باین ترتیب که بقول خودش بشر را هم از نظر بیولوژی و پسیکولوژی و هم از نظر سوسیولوژی مورد مطالعه قرار میدهد باین معنی که «در بیولوژی از خواص حیاتی، در پسیکولوژی از خواص روحی و در سوسیولوژی از خواص اجتماعی و اجتماع بشر» بحث میکند. او پس از اشاره به یک رشته پدیده‌ها و مفاهیم و رفتارهای انسانی- اجتماعی مانند عشق، وجدان، وظیفه، خودنمایی، علاقه علمی و صنعتی، شرافت، ترحم، اخلاق، میل هنری، فداکاری اجتماعی و مانند اینها به توضیح درباره نقش کار و وسائل تولید و تقسیم مراحل تحول اجتماعی بر اساس میزان رشد تکنیک و مسائل تولید در پیدایش و تحول این پدیده‌ها میپردازد و سپس چگونگی پیدایش طبقات و حکومت و رابطه این دو و مفاهیم و پدیده‌های جدید اجتماعی مانند سیاست، آداب و رسوم، حقوق و قوانین، مذهب، فلسفه، علم، هنر و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و تحولات آنها را توضیح میدهد. پس از آن برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم و تفسیر غیردقیق سخنان خود را با احکام مارکسیستی زیر قاطعیت می‌بخشد:

«تاریخ بشر تاکنون تاریخ نزاع طبقات بوده است. حکومت دستگاهی است که بوسیله طبقة قوی‌تر تشکیل شده استیلای آنرا بر طبقة زیردست تأمین مینماید. تشکیلات قانونگذاری، قضائی، رهبری تعلیم و تربیت و ذوق هنری تحت قدرت دولت است. بنابراین واضح است که در جامعه طبقاتی قوانین، طرز حفظ حقوق، آداب و رسوم، مفهومی‌های خوب و بد، زشت و زیبای اخلاقی، تولید افکار در اطفال و افراد و ذوق صنایع ظریف نیز تمام طبقاتی بوده بِنفع طبقة معین خواهد بود.» «در جامعه طبقاتی ممکن نیست که تمام طبقات دارای روحيات و ایدئولوژی مساوی باشند... روحيات و ایدئولوژی هر طبقة محصول وضعيت اجتماعي و مادي و سياسي و اقتصادي آن طبقة است.»

«دنیای روشنگر...»

اما نباید فراموش کرد که جامعه طبقاتی نیز از آنجا که یک پدیده تاریخی است روزی نیز ناپدید خواهد شد و پدیده‌های همزاد را نیز با خود خواهد برد. آنگاه «در جامعه بی طبقات حکومت بخودی خود میمیرد و تشکیلات جزئی طبقاتی از میان میرود»، «قوانین و آداب و رسوم و اخلاق جنبه طبقاتی خود را از دست میدهد و آنچه که فقط برای حفظ منافع طبقاتی است از میان میرود».

معلوم است که آنچه هم تا اینجا گفته شد جز کلیاتی درباره جامعه بشری و تحولات تاریخی آن بیش نبود. با اینهمه نباید مطلقاً تصور کرد که نویسندگان مجله در قالب بحث‌های مجرد آکادمیک و مکتبی باقی میمانند. درست برعکس، آنها فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک را از آنجهت برگزیده‌اند که از نظر ایشان این فلسفه به تمام مسائل مربوط به انسان و جوامع انسانی، و از آنجمله مسائل جامعه ایران پاسخ درست میدهد و انسان‌ها را در راه ترقی و تکامل هدایت میکند و بقول مجله «تنها فکری که در سیر تکامل تاریخ همواره رهبر طبقه منور و مترقی بوده و هست فلسفه و فکر مادی است» و «جلوتر رفتن و پیشرفت نظر کلی متفکرین این مکتب است». در بیان این اعتقاد ارانی خود رساله «عرفان و اصول مادی» را با این عبارات پایان میدهد: «اصول مادی و منطقی امروز بشر به تمام علوم، اجتماعات و هنر ارتباط کامل داده او را از خرافات، اعم از آنکه در قسمت طبیعی یا بیولوژی یا پسیکولوژی و یا سوسیولوژی باشد، خلاص کرده به وی راه خوشبختی را نشان داده است». او سپس نوید میدهد که «مطابق این اصول، همانطور که بشر به قوای مهم در طبیعت غلبه نموده است بر اجتماع خود نیز غالب خواهد آمد».

و مجله دنیا در عمر کوتاه خود نه تنها این مباحث را با کمک فلسفه ماتریالیسم و دیالکتیک شرح میدهد بلکه بسیاری از مسائل خاص جامعه ایران را نیز با همین معیار محک میزند. اما پیش از پرداختن به انعکاس مسائل ایران در مجله دنیا به پدیده‌های عام‌تری مانند اقتصاد، حقوق، هنر و مسائلی مانند فاشیسم، وضع زن، استثمار و استعمار، آزادی و